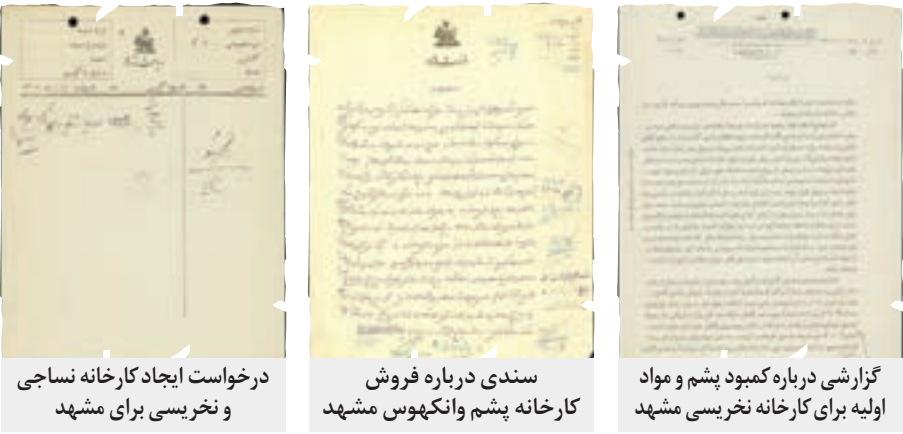


درباره تجارت‌خانه ملکان هاروطونیان در مشهد که ۱۰۰سال پیش نخ و برق تولید می‌کرد

تاریخ برق‌کشی از نخ در خیابان ارگ!

لیلا کوچک‌زاده

از بیشتر مشهدی‌ها که بپرسید، پیشینه تولید صنعت‌پشم‌ونخ‌مشهدرااز کارخانه‌معروف‌نخریسی می‌دانند که در چهارراهی به همین نام واقع شده است. اما کمی پیش از تأسیس این کارخانه، موتوره‌ای اولین کارخانه نخریسی و پارچه‌بافی مشهد جایی در حوالی خیابان ارگ(امام خمینی ^(۱)امروز) روشن شد، آن هم به کوشش تاجری ارمنی به نام ملکان هاروطونیان که اصالت تبریزی داشته است. البته او تنها ارمنی مهاجر مشهد نیست که نامش در فهرست بلندبالایی از صنعتگران ارض اقدس نوشته شده است. درست است که نام ارامنه در این دیار بیشتر با صنعت سینما و سینماداری گره خورده است، اما این اقلیت دینی که سابقه حضورشان در



● مشهد از مراکز مهم صنعتی کشور

مشهد نزدیک ۱۱۰ سال پیش، بازار مهم پشم خراسان بود و حتی سالیانه حدود ۴۵۰تن پشم تولید می‌کرد که دوسوم آن به روسیه صادر می‌شد. بیشتر این پشم‌ها هم تولید شهر تربت حیدر به بود. در فصلی از کتاب «تاریخ اقتصادی مشهد، با عنوان «صنایع وابسته به کشاورزی، دام پروری و باغداری، در این باره می‌خوانیم که مشهد ابتدای قرن چهاردهم به دلیل موقعیت کشاورزی، باغداری و دامداری وضعیت مساعدی برای شکل گیری و رشد صنایع وابسته به این موقعیت‌ها داشته است. در این میان با توجه به قابلیت پرورش دام، پشم یکی از محصولات مهم مشهد بود و وجوب راه اندازی صنعت قالی بافی و نساجی پیش آمد. اما گران ترین و مرغوب ترین پشم خراسان از نوع سفید بلوچی در زیر کوه قاین تولید می‌شد که مقدار درخور توجهی بود. در این میان با وجود فراوانی پشم، قیمت آن مدام ترقی می‌کرد. تا اینکه سال ۱۳۴۰ این قیمت ثابت ماند و همین موضوع، موجب انحطاط صنایع پشمی شد. در این فاصله زمانی فرایند بهره از پشم در صنعت نساجی و قالی بافی، باعث پدید آمدن کارخانه های پشم شویی، حلاجی و ریسندگی شد و مقدمات بافندگی و نساجی را در مشهد فراهم کرد. می‌توان این گونه نیز تشریح کرد که از دوره پهلوی اول برای جلوگیری از صادرات مواد خام یا افزایش کیفیت صادرات و استاندارد سازی مواد صادراتی، کارخانه‌هایی تأسیس شد که مشهد را به یکی از مراکز مهم صنعتی در این زمینه تبدیل کرد.

● کارخانه تاج‌روسی در اختیار تاجر ارمنی

با توجه به تعامل تجاری مشهد با روسیه، دستگاه‌های کارخانه پشم‌شویی ا روسیه خریده شد. مهندسان روسی زمین و آب محدوده خین‌عرب را برای ساخت این کارخانه مناسب می‌دانستند. اما در نهایت تأسیس کارخانه منتفی شد و بدین شکل یکی از صنایع پایه مشهد در این مقطع زمانی ناکام ماند.

حرکت بعدی برای تأسیس کارخانه پشم‌بافی در مشهد و به کوشش فردی به نام روبرت وانکهوس روسی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی شکل گرفت. تلاشی برای صنعتی کردن پشم‌بافی در مشهد که به شدت برای صنعت قالی بافی لازم بود. این تلاش، هم‌زمان با رکود قالی بافی مشهد و استقبال نشدن از محصول صنعتی، پس از یک دهه با شکست روبه‌رو شد، به‌طوری‌که کارخانه وانکهوس برای پرداخت بدهی‌های او به بانک به فردی به نام ملکان هاروطونیان، تاجر ارمنی مقیم مشهد، فروخته شد. او پیشنهاد خرید ابنیه و ماشین آلات کارخانه را به مبلغ ۳۱هزار تومان داد.

● کارخانه حلاجی

هاروطونیان یکی از تاجران و فعالان اقتصادی مهم مشهد در دوره پهلوی است که نامش در فصل «فعالیت اقتصادی و سیاسی بازرگانان شاخص مشهد، کتاب «تاریخ اقتصادی

این شهر به دوره نادرشاه برمی‌گردد، در زمینه‌های تجارت و صنعت به‌ویژه صنعت برق هم در دوره پهلوی اول جزو ساکنان تأثیرگذار مشهد بوده‌اند. چنان‌که هاروطونیان در اوایل قرن چهاردهم در بخش خصوصی در صنعت پشم‌بافی و پارچه‌بافی پیش قدم شد و یکی از کارخانه‌های مهم شهر را پیش از تأسیس کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان به راه انداخت. کارخانه او حتی در مقطعی بخشی از برق مشهد را هم تأمین می‌کرد. هم‌زمان با فرارسیدن سال نو میلادی، با نگاهی به مسیر گذراندن تولید پشم در مشهد، درباره ملکان هاروطونیان نوشته‌ایم. ناگفته نماند که عکسی از او و کارخانه‌اش در دست نیست و منبع ما هم در این نوشتار، کتاب «تاریخ اقتصادی مشهد»، نوشته علی نجف‌زاده و جلیل قصابی گز کوه است.



پیرمرد نخریس در یکی از محلات قدیم مشهد. دوره پهلوی اول



زنی در حال کار با چرخ دوک نخریسی. مشهد دهه ۳۰ قرن ۱۴ خورشیدی



بازدید دانش‌آموزان در دوره پهلوی دوم از کارخانه نخریسی مشهد

● کارخانه‌ای در خیابان ارگ

موتوره‌ای کارخانه پارچه‌بافی هاروطونیان در خیابان ارگ با پنجاه اسب بخار و پانصد دوک نخریسی شروع به کار کرد و با وجود سی کارگر در هر ۱۰ ساعت سیصد تا چهارصد کیلوگرم نخ تولید می‌کرد. محصول کارخانه هم نخ‌های پشمی بود که برای قالی بافی استفاده و بخشی از آن هم به خارج کشور صادر می‌شد. در بخش پارچه‌بافی آن هم انواع پارچه‌های زمستانه و بهاره و تابستانی تولید می‌شد. کارخانه نخ دوسال پس از فعالیت به مهم‌ترین کارخانه پشم ریسی و بافندگی مشهد تبدیل شد و تعداد دوک‌هایش به هشتصد عدد رسید. هاروطونیان در نمایشگاه کالای ایران در سال ۱۳۱۵ خورشیدی غرفه داشت و محصولاتش را عرضه می‌کرد و گواهی نامه درجه دوم گرفت. از طرفی به دلیل نقش اقتصادی اش، عضو اتاق تجارت مشهد هم شد.

● تولید برق نیمه از مشهد

جالب اینجاست که مولدهای کارخانه نخریسی هاروطونیان از اواخر سال ۱۳۱۴ بخشی از برق مشهد را تأمین می‌کرد، بدین صورت که پس از بستن قراردادی با شهرداری در ابتدا برق به خیابان تهران آمد و عجیب اینکه هاروطونیان خود دوازده فرسخ سیم‌کشی کرد و بعد هم به مدت پنج سال از اواخر سال ۱۳۱۴ می‌توانست به

مشهد قدیم بوده است. حدود سال ۹۴۰ قمری که شاه‌تهماسب صفوی بارویی برای شهر مشهد ساخت، چون یکی از دروازه‌ها در جوار قبر میرعلی آمویه قرار گرفته بود، نام او را بر آن گذاشت. مادر دوره افشاریه دروازه نام محله «تلگرد» می‌شناسیم. قرار داشت. دروازه همیشه بسته بود. دلیل این بازنشدن هم ریشه در اعتقادات و خرافات مردم پایین خیابان داشت. گویا میرعلی آمویه در قرن دهم در گذشته و در دروازه نوغان دفن شده و محل دفنش زیارتگاه مهمی در مشهد قدیم بوده است. حدود سال ۹۴۰ قمری که شاه‌تهماسب صفوی بارویی برای شهر مشهد ساخت، چون یکی از دروازه‌ها در جوار قبر میرعلی آمویه قرار گرفته بود، نام او را بر آن گذاشت. مادر دوره افشاریه دروازه

گزار نبود، همان‌طور که نادر از این دروازه به مشهد وارد شد، دروازه میرعلی آمویه درست در مسیر هجوم ازبکان واقوام صحرائشین قرارداشت و حملات جنون آمیز و غارتگرانه آن‌ها به مشهد، بیشتر از سمت این دروازه انجام می‌شد. این موضوع و هم اعتقاد مردم بر اینکه «هرکسی زیر بقعه و این دروازه سوگند دروغ بخورد، می‌میرد، دلایلی است که باعث می‌شد دروازه میرعلی آمویه همیشه بسته باشد.

شهر

اشنبه
۱۳۰۱ دی
۱۳۴۱
شماره ۳۸۲۹

۱۵

تاریخ و هویت



مرضیه ترابی

مشهور است که ساعت، نخستین بار در دوره صفویه وارد ایران شد. ساعت‌های آن دوره ساخت اروپا بودند و بیشتر در قالب هدیه وارد کشور می‌شدند. اولین ساعت‌های وارداتی البته آونگ‌دار نبود و بعدها در دوره شاه سلیمان صفوی، ساعت‌های آونگ‌دار وارد ایران شد، ساعت‌هایی که نخستین بار توسط کریستین هویگنس، فیزیکدان و مخترع هلندی، پیش از سال ۱۰۷۴ خورشیدی (یعنی زمان مرگ هویگنس) اختراع و به بازار عرضه شد. به دلیل بومی نبودن این محصول و اعتمادداشتن مردم به آن و از همه مهم‌تر، گرانی اش، ساعت و ساعت‌سازی بیشتر جنبه تشریفاتی داشت و برای تعیین اوقات شرعی، همچنان از شاخص‌هایی استفاده می‌شد که می‌شود نمونه‌ای از آن‌ها را بر فراز یکی از ستون‌های اطراف حوض مسجد گوهرشاد مشاهده کرد. اما این مسئله به‌معنای نادیده گرفتن این وسیله کاربردی در ایران نبود. اسناد موجود نشان می‌دهد که استفاده از ساعت پس از ورود آن به ایران، در مراکز مهم سیاسی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفت. احتمالاً قدیمی‌ترین سند درباره استفاده از این وسیله در مشهد، مربوط به سال ۱۰۹۳ قمری (۱۰۶۱ خورشیدی) است: امیر سعدالدین محمد وزیر، بخشی از موقوفه‌اش، یعنی مزرعه «گودسلوک» را به «اجرت ساعت‌ساز آستان قدس» اختصاص داده است. اینکه ساعت‌ساز در آن دوره چه مسئولیتی داشته و ساعت استفاده‌شده چه شکلی بوده است، چندان معلوم نیست و باید برای دانستن بیشتر در این زمینه، سندهای موجود در آستان قدس رضوی را بررسی کرد، اما قدر مسلم آن است که چنین مسئولیتی، از دوره صفویه به این سو، در حرم رضوی وجود داشت و بنابراین می‌توان تصور کرد که از عمر تیک تاک ساعت‌های جدید در شهر مشهد، دست کم ۳۴۰ سال می‌گذرد.

● ساعت‌های حرم؛ نخستین زمان‌سنج‌های مدرن مشهد

با وجود فعالیت ساعت حرم مطهر، بعید به نظر می‌رسد که استفاده از ساعت در خانه‌های عموم اهالی مشهد باب شده باشد، مگر آنکه فرض کنیم حاکم یا اشراف به آن روی خوش نشان داده‌اند. چون همان‌طور که گفتیم، قیمت ساعت گران بود و هرکسی توان خرید آن را نداشت. در دوره قاجار و با خرید نخستین ساعت بزرگ و دارای رنگ برای حرم و نصب آن بر فراز ایوان غربی صحن عتیق، استفاده از ساعت در مشهد وارد مرحله جدیدی شد. مشهور است که این ساعت را میرزا علی خان امین‌الدوله (۱)، یکی از رجال سیاسی ایران و هم‌راهان ناصرالدین‌شاه در سفر فرنگ، از شهر منچستر انگلیس خریده و البته زمانی که ساعت به ایران رسید، مظفرالدین‌شاه به سلطنت رسیده‌بود و برای همین ساعت هم به ساعت «مظفری» مشهور شد، مانند قصه سقاخانه اسماعیل طلا که پولش را نادرشاه داد، اما به نام اسماعیل‌آقای طلا‌ساز تمام شد! بگذریم؛ صدای زنگ ساعت مظفری، تا اوایل دهه ۱۳۳۰ خورشیدی برقرار بود. اما در این زمان و به دنبال نشست بنای ایوان غربی (بر اثر رطوبت زیاد و سنگینی وزن ساعت) آن را از مکان نصب‌شده برداشتند و به بالای ایوان جنوبی صحن نو منتقل کردند و به جایش ساعتی را که عبدالعسین معاون از هامبورگ خریده و به حرم رضوی اهدا کرده‌بود، نصب شد. زنگ ساعت مظفری پس از نصب در مکان جدید، دیگر به صدا درنیامد.

● تولد صنف ساعت‌ساز مشهد

کسی نمی‌داند که دقیقاً در چه تاریخی نخستین مغازه ساعت‌سازی در مشهد باز شد. البته ساعت‌سازها در مشهد حضور داشتند و بعضی از آن‌ها افزون بر حرفه خودشان، به فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی هم می‌پرداختند، مانند آقای میرزا محمود ساعت‌ساز که همکار ادیب‌الممالک فراهانی در راه‌اندازی نخستین روزنامه شهر مشهد، یعنی روزنامه «ادب»، در سال ۱۲۷۹ خورشیدی بود، ولی از زمان تأسیس نخستین مغازه ساعت‌سازی، آگاهی زیادی نداریم. به تدریج و با رایج شدن ساعت‌های جیبی (که بیشتر جنبه تزیینی داشت تا کاربرد معمول شناسایی وقت و زمان!) بازار ساعت‌سازی هم در مشهد رونق گرفت و سرانجام در سال ۱۳۴۹ خورشیدی، اتحادیه صنف ساعت‌سازهای مشهد با ریاست سیداحمد تمرچی تأسیس و مشغول به فعالیت شد.

● سندی قدیمی از توسعه ساعت‌های عمومی

یکی از فرآیندهای مهم تاریخ ساعت در مشهد که شاید کمتر درباره آن شنیده باشید، مربوط به خرید و نصب ساعت‌های عمومی است؛ ساعت‌هایی که در مکان‌های پررفت‌وآمد و برای استفاده مردم نصب می‌شد. به جز ساعت‌های بزرگ حرم رضوی که درباره آن‌ها چند کلمه‌ای نوشتیم، ساعت‌های بزرگ دیگری هم در عمارت‌های مشهور مشهد، مانند عمارت شهرداری که در دوره پهلوی اول ساخته شد، نصب کرده‌بودند. البته نصب این ساعت‌ها گویا سال‌ها پس از ساخت بنا بوده است. یک خبر قدیمی مربوط به فروردین سال ۱۳۳۲ خورشیدی در روزنامه «خراسان»، نشان می‌دهد که در این سال شهرداری تصمیم به نصب ساعت‌های عمومی گرفته و احتمالاً باید این سال را زمان شروع نصب ساعت‌های عمومی در شهر مشهد بدانیم. در متن آگهی آمده است: «شهرداری مشهد در نظر دارد سه دستگاه ساعت بزرگ دیواری، یکی برای نصب بر سردر عمارت شهرداری و دو دستگاه دیگر برای نصب در نقاط مناسب شهر که دستگاه سردر شهرداری یک‌رو و دو دستگاه دیگر که در دو نقطه شهر برای استفاده اهالی نصب می‌شود، دورو خواهد بود، تهیه نماید. برای خرید سه دستگاه ساعت مزبور در سه نوبت در روزنامه‌های مرکز آگهی منتشر گردیده، ولی چون از طرف کمیانه‌ای‌های فروشنده پیشنهادی نرسیده، قرار است پس از تصویب و موافقت انجمن شهر، مستقیماً شهرداری برای خرید سه دستگاه ساعت با کمیانه سازنده پیمان منعقد نماید و گویا قرار است به یکی از کارخانجات ساعت‌سازی هامبورگ آلمان سفارش داده‌شود.» زمان خرید این ساعت‌ها برای شهر مشهد، با زمان خرید ساعت جدید حرم رضوی توسط عبدالحسین معاون مصادف است و به نظر می‌رسد خرید ساعت حرم رضوی از هامبورگ آلمان در تصمیم مسئولان وقت شهرداری مشهد برای تهیه ساعت‌های شهر از هامبورگ، مؤثر بوده باشد.

● پی‌نوشت:

۱. برخی به اشتباه هنگام نقل نام امین‌الدوله، از او با عنوان «امین‌الملک، یاد می‌کنند که صحیح نیست. میرزا اسماعیل امین‌الملک برادر کوچک‌تر میرزا علی اسفرخان اتابک بود که به دلیل نفوذ برادرش، در جوانی به مقامات بالای حکومتی، مانند ریاست گمرکات رسید، اما در مقام اردبیهشت ۱۲۷۸، در ۳۳ سالگی درگذشت.

منبع تصاویر و اسناد قدیمی: مرکز کتابخانه ملی ایران